

فرار از رقابت شدید در تولید و بازار کار به پیرامون هدایت می‌کند (Fujita et al. ۱۹۹۹: ۴۹۱).

دو رویکرد برای بررسی این نیروها معرفی شده است. رویکرد «سیستم شهری» به پیروی از کار هندرسون (Henderson, ۱۹۷۴: ۶۵۶) که در آن انواع شهرها و تعاملات بین آنها در نظر گرفته شده است و دیگری «جغرافیای اقتصادی جدید» به پیروی از کار کروگمن (Krugman, ۲۳: ۱۹۹۱) است که در آن تعامل میان هزینه حمل و صرفه‌های مقیاس در نظر گرفته شده است. در رویکرد سیستم شهری، شهرها با وجود تقسیم کاری که بینشان شکل می‌گیرد، تخصصی می‌شوند و تولید محصولات متفاوت با صرفه‌های اقتصادی متفاوت منجر به اندازه‌های متفاوت برای آنها می‌شود. در رویکرد جغرافیای اقتصادی جدید، اگر صرفه‌های مقیاس بیشتر از هزینه‌های حمل باشد، سازماندهی تولید به صورت متراکم شکل می‌گیرد و هرچه هزینه‌های حمل نسبت به صرفه‌های مقیاس بزرگ‌تر باشد، سازماندهی تولید پراکنده می‌شود و توزیع فعالیت‌ها در سطح فضا به صورت پراکنده شکل می‌گیرد.

#### کتاب‌شناسی

- بروکنر، جان (۱۳۹۷). *درس‌هایی در اقتصاد شهری*، ترجمه ناصر یارمحمدیان، اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر اصفهان.
- Debreu, G. (۱۹۵۹). *Theory of Value*, New Haven: Yale University Press.
- Fujita, Masahisa, Paul Krugman and Anthony J. Venables. (۱۹۹۹). *The Spatial Economy, Cities, Regions and International Trade*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Henderson, J. (۱۹۷۴). "The sizes and types of cities", *American Economic Review*, ۶۴, ۶۴۰-۶۵۶.
- Krugman, P. (۱۹۹۱). "Increasing returns and economic geography", *Journal of Political Economy*, ۹۹, ۴۸۴-۴۹۹.
- Proost, Stef. & Jacques-Francois Thisse., (۲۰۱۷). "What Can Be Learned from Spatial Economics?", *HSE Working papers WP BRP ۱۶۷/EC/۲۰۱۷*, National Research University Higher School of Economics.

ناصر یارمحمدیان

گروه اقتصاد شهری، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارافرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

## Spatial Economics

اقتصاد فضایی رویکردی در علم اقتصاد است که به مطالعه تخصیص منابع کمیاب در سطح فضا و مسئله مکان‌گزینی فعالیت‌ها یا عوامل اقتصادی می‌پردازد.

از یک منظر اقتصاد فضایی شامل گستره وسیعی از موضوعات می‌شود، چراکه، هر فعالیت اقتصادی نیاز به فضا دارد و بنابراین، اقتصاد فضایی مرتبط با هر موضوعی است که در دایره علم اقتصاد قرار می‌گیرد. از نظر دبرو، اقتصاد فضایی به معنای دخالت دادن عامل فضا در تحلیل‌های اقتصادی است، بر این اساس، کالاهای همگن در مکان‌های متفاوت به خاطر خصوصیت مکانی‌شان به‌عنوان محصولات ناهمگن شناخته می‌شوند (Debreu, ۱۹۵۹: ۳۲). از منظری دیگر، اقتصاد فضایی در واقع وارد کردن «مکان»، «حمل و نقل» و «زمین» در تحلیل‌های اقتصادی است (Proost and Thisse, ۲۰۱۷: ۳). اقتصاد فضایی به‌دنبال مطالعه نحوه مکان‌گزینی بنگاه‌ها، خانوارها یا هر عامل اقتصادی دیگری است که با فضا در تعامل است. این موضوعات هم در سطح بین‌المللی، هم در سطح ملی و هم در پهنه‌های شهری و روستایی قابل طرح است. یک سؤال اساسی در اقتصاد فضایی چگونگی و چرایی توزیع فضایی ثروت و جمعیت است. نحوه توزیع فضایی ثروت و جمعیت به‌نحوی است که دارای قله‌ها و فرورفتگی‌ها است. بنابراین، اقتصاد فضایی به‌دنبال تحلیل نیروهای تعیین‌کننده توزیع فضایی عوامل اقتصادی و یافتن پایه‌های خرد برای آنها است. دو نیرویی که نحوه توزیع فعالیت‌ها و عامل‌های اقتصادی در سطح فضا (تخصیص زمین یا فضا به فعالیت‌های اقتصادی) را می‌توانند توضیح دهد نیروی تمایل به مرکز و گریز از مرکز است. نیروی تمایل به مرکز عامل‌های اقتصادی را در جهت برخورداری بیشتر از صرفه‌های ناشی از تجمیع به مرکز روانه می‌کند، در حالی که نیروی گریز از مرکز آنها را برای